



نویسنده : تام هارتمن «Thom Hartmann» .
منبع و تاریخ نشر : کمان دریم «2024-10-28» .
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

در جیب الیگارشسی آمریکا..... دموکراسی می میرد

Democracy Dies... in the Pockets of the American Oligarchy

از جف بزوس تا ایلان ماسک، الیگارش های آمریکا از کنترل رسانه ها برای شکل دادن به سیاست، رشد سود و نابودی چشم انداز آینده ای بهتر برای همه استفاده می کنند.

From Jeff Bezos to Elon Musk , America's oligarchs are using media control to shape politics, grow profits, and destroy the prospect of a better future for all.

Thom Hartmann

Oct 28, 2024 [Common Dreams](#)

9

من اشتراک و اشنگتن پست خود را عصر جمعه لغو کردم. آقای جف بزوس، «دموکراسی در تاریکی می میرد» (شعار پست روی دکل آن ها)، با ممانعت از اعضای تحریریه اش از تأیید **هریس**، تاریکی را بر آینده کشورش انتخاب کرد، و من نمی توانم از آن حمایت کنم.

اشتباه بزرگی که **جان دی. راکفلر** در آن روز مرتکب شد- که جف بزوس و ایلان ماسک ظاهراً متعهد به تکرار نشدن آن هستند - این بود که رسانه ای مانند روزنامه را نخریدند. اگر **جان دی** چنین وسیله ای برای شکل دادن افکار عمومی داشت، تاریخ آمریکا ممکن بود بسیار متفاوت باشد. تا سال «1880»، شرکت مستقر در اوهایو **راکفلر** بیش از (90) درصد نفت کشور را کنترل می کرد، «4000» مایل خط لوله را در اختیار داشت و بیش از (100000) نفر را استخدام می کرد. همانطور که امپراتوری نفت **راکفلر** بزرگ و بزرگتر می شد، صدها عملیات کوچکتر را زنده می خورد، بی رحمانه قیمت ها را بالا می برد، رقبای اش را نابود می کرد و کارگران را از کار بیکار می کرد، خشم عمومی افزایش یافت. در مقطعی، که آمریکا باید با مشکل الیگارشی خود مقابله کند.

در سال (1887)، **اوهایو** از او شکایت کرد، با این استدلال که او به شیوه هایی عمل می کند که برای ایالت و شهروندان و مشاغل آن مضر است. در سال 1892 دادگاه عالی اوهایو دستور انحلال شرکت او را صادر کرد. هماهنگی که در کتاب «حفاظت نابرابر: چگونه شرکت ها به «مردم» تبدیل شدند، به تفصیل توضیح دادم، این امر باعث شد **راکفلر** استاندار اوایل «نفت» را به نیوجرسی منتقل کند، پس از اینکه آن ایالت قوانین شرکت خود را تغییر داد تا رفتار انحصاری خود را مجاز کند.

که دولت فدرال را به ارمغان آورد. در «سال 1890»، **جان شرمن**، سنا تور اوهایو، قانون ضد تراست **شرمن** را معرفی و به تصویب رساند که نه تنها جریمه نقدی، بلکه مجازات زندان را برای افرادی مانند **راکفلر** که متعهد به تخریب رقابت و مالکیت کل بازارها بودند، در نظر گرفت. این قانون با چند حفره و ابهام ناقص بود، بنابراین در سال 1914 با قانون ضد تراست کلینتون اصلاح شد.

با این وجود، در سال 1906، دولت **تدی روزولت**، جمهوری خواه مترقی، دعوی ضد انحصاری علیه **راکفلر** ارائه کرد که در سال «1911» در زمان مدیریت رئیس جمهور جمهوری خواه مترقی، **ویلیام هاوارد تافت**، به دادگاه عالی رفت. این غول به (34) شرکت جداگانه تقسیم شد، اقدامی که مانند فروپاشی T&AT توسط **جیمی کارتر و رونالد ریگان**، منجر به انفجار رقابت در بازار و افزایش چشمگیر ارزش سهامداران شد.

امایا بید که به جف بزوس و خرید واشنگتن پست در سال 2013 برگردیم.

این خبرنگاران و سردبیران صدها روزنامه مستقل در دوره اول طلایی (1880-1900) بودند که جنگ های صلیبی علیه **راکفلر** و انحصار طلبان دیگر را رهبری کردند. روزنامه نگاری تحقیقی در آن زمان همه گیر بود، و تقاضای عمومی برای بازگشت به رقابت و خلع الیگارشی های آن عصر را تامین می کرد.

اکثریت قریب به اتفاق کارگران در حال مبارزه بودند و برای «10 درصد جمعیت بسیار کوچکی که اکثر ثروت کشور را کنترل می‌کردند کار می‌کردند (وضعیتی که دوباره در آن قرار داریم).

نتیجه نزاع مداوم، اعتصابات، و قتل رهبران کارگران بود. کل شهرها در جنگ کارگری (گاه؛ گاه شعله ور) بودند. «مشکل کارگری» موضوع شماره یک روز بود. هما‌نطور که رئیس‌جمهور گروور کلیولند - تنها دموکراتی که در آن دوره انتخاب شد - در سخنرانی خود در سال «1887» اعلام کرد:

«همانطور که دستاوردهای سرمایه‌انبوه را مشاهده می‌کنیم، به وجود اعتمادها، ترکیب‌ها و انحصارها پی می‌بریم، در حالی که شهروند در عقب در حال مبارزه است یا زیر پاشنه آهنین تا حد مرگ پا می‌مال می‌شوند. شرکت‌هایی که با ید مخلوقات قانون و خدمتگزاران مردم با شند، به سرعت در حال تبدیل شدن به ارباب مردم هستند.»

اجماع گسترده‌ای در سراسر جامعه آمریکا وجود داشت که آن "بارون‌های دزد" لانه‌های خود را به هزینه مردم آمریکا پر می‌کردند و به مردم طبقه کارگر و مشاغل کوچک آسیب می‌رساندند. دادگاه عالی شکست استاندارد اوایل را در سال 1911 تایید کرد و حتی آسوشیند پرس را در سال 1944 منحل کرد.

این قانون به قدری سخت اجرا می‌شد - به طوری که بازی تجارت را همه افراد وارد می‌توانستند انجام دهند، نه فقط "پسران بزرگ" - که در دهه 1960 دادگاه عالی ادغام شرکت‌های کفش Kinney و Buster Brown را ممنوع کرد، زیرا شرکت جدید ترکیب شده بود. تنها 5 درصد از بازار کفش را در دست خواهد داشت.

در دهه 60، تمام مراکز خرید و مرکز شهر آمریکا مملو از مشاغل کوچک و محلی بود. ممکن است سیرز برای لنگر انداختن مرکز خرید یا بخشی از خرده‌فروشی شهر وجود داشته باشد، اما بیشتر مغازه‌ها، رستوران‌ها و هتل‌ها متعلق به خانواده بودند.

اما پس از آن **ریگان** در سال {1983 به DOJ، SEC و FTC} دستور داد تا اجرای قانون **شرمن** را متوقف کنند، به همین دلیل است که امروزه **نایک**، برای مثال، حدود یک پنجم کل بازار کفش کشور را کنترل می‌کند. در سراسر صنعت به همین صورت است، از خرده‌فروشی‌ها گرفته تا خواربارفروشی‌ها، راه‌آهن‌ها، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، رسانه‌های اجتماعی، تولید تراشه‌ها، خطوط هوایی تا هتل‌ها و... تقریباً در هر صنعتی، تعداد انگشت‌شمار از شرکت‌های بزرگ «80» درصد یا بیشتر از بازار را در اختیار دارند.

دولت **با ید ن** اولین کسی یا دولتی است که از زمانی که کارتر T&AT را شکست، به دنبال گوگل و مسدود کردن ادغام در صنایع مختلف، به طور جدی اجرای قوانین ضد

تراست کشور را امتحان کرد. گروهی از میلیاردرهای آمریکایی خواستار اخراج **لینا کان**، رئیس کمیسیون تجارت فدرال شد.

کان و **FTC** او سال گذشته به دنبال **بزوس** رفتند و از **آمازون** به دلیل اداره یک انحصار که باعث کاهش قیمت مشتریان و جلوگیری از رقابت می شود، شکایت کردند.

در صورتی که **کان** به کار خود ادامه دهد، دادگاه برای سال 2026 برنامه ریزی شده است. دولت **ترامپ** فوراً او را اخراج می کند و فشار از سوی شرکت های بزرگ مالی و میلیاردرها بر **هریس** می افزاید تا همین کار را انجام دهد.

بزوس همچنین با دید به خوبی به خاطر داشته باشد که به دلیل پوشش پست از دروغ ها و جنایات الیگارش نرنجی، در سمت اشتباه **ترامپ**، رئیس جمهور وقت قرار گرفت. **ترامپ** در حالی که یک قرارداد (10) میلیارد دلاری پنتاگون را برای **پانوش ابری** به مایکروسافت اعطا کرد، تحلیلگران در سراسر صنعت را شوکه کرد.

بزوس همچنین برای شرکت سفینه فضایی **Blue Origin** خود کار می کند تا میلیاردها دلار در قراردادهای **ناسا** و پنتاگون به دست آورد. او و شرکت هایش همچنین دارای میلیاردها سهام **گوگل** و **AirBNB** و همچنین مالکیت صد شرکت دیگر هستند.

ممکن است زمان خوبی برای داشتن یکی از دو روزنامه تاثیرگذار در آمریکا باشد، نه؟

به همین ترتیب، **ایلان ماسک**، الیگارش میلیاردر، علاوه بر دستورات ظاهراً از **ولادیمیر پوتین**، رئیس جمهور روسیه، در حال مبارزه با تلاش های متعدد دولت برای تنظیم شرکت های خود است (که تا حد زیادی به این دلیل وجود دارد که **اوباما** در سال 2010 تسلا را با (465) میلیون دلار نجات داد، و **ناسا** اکنون در حال سرریز کردن آن است. صدها میلیون به **SpaceX**): -

تسلا در حال مبارزه با هیئت ملی روابط کار (**NLRB**) بر سر مسائل مربوط به اتحادیه است و **ماسک** با طرح دعوی به دادگاه عالی ادعا می کند که حمایت های دولت از اتحادیه ها خلاف قانون اساسی است. -

اسپیس ایکس در حال مبارزه با **NLRB** بر سر اخراج کارکنان است.

- **SEC** در حال تحقیق در مورد خرید توئیتر (اکنون **X**) توسط **ماسک** و توییت های «تامین بودجه» او درباره خصوصی کردن **تسلا** است.

- **FTC** در حال بررسی تبعیت **X** با توافقنامه 150 میلیون دلاری حفظ حریم خصوصی است.

- **کمیسیون ارتباطات** فدرال اخیراً جایزه 886 میلیون دلاری استارلینک اسپیس ایکس را رد کرد.

- **کمیسیون فرصت های شغلی** برابر از تسلا به دلیل آزار و اذیت نژادی شکایت کرده است.

- **FAA** بر سر مجوز پرتاب و بررسی های زیست محیطی با اسپیس ایکس در تضاد است.

- **سازمان حفاظت محیط زیست** اسپیس ایکس را به دلیل تخلفات مربوط به آب جریمه کرده است.

- **اداره ملی ایمنی ترافیک** بزرگراه تحقیقات متعددی را در مورد ایمنی خودرو و سیستم خلبان خودکار تسلا آغاز کرده است.

- **اسپیس ایکس** در مورد تأثیرات زیست محیطی خود در سایت پرتاب تگزاس مورد بررسی دقیق قرار می گیرد.

برای جلوگیری از اشتباه **راکفلر**، **ماسک** - با کمک ظاهری دو الیگارشی روسی و رهبر عربستان سعودی - **توییتر** را خریداری کرد، معادل دیجیتال آنلاین بزرگترین روزنامه کشورمان. اکنون که در دومین عصر طلایی آمریکا هستیم - با میلیاردرهای امروزی بسیار ثروتمند تر از وحشیانه ترین رویاهای **راکفلر** - با تقاطع مشابهی با نسل های قبلی روبرو هستیم.

و او اکنون از آن استفاده می کند تا **ترامپ** و جمهوری خواهان را به قدرت برساند، احتمالاً تا بتوانند **FTC**، **FCC**، **SEC**، **NLRB**، و هر تنظیم کننده دیگری را که ممکن است او را برای محافظت از کارگران، عموم و منافع ملی بر عهده بگیرد، از بین ببرند.

ما در اولین عصر طلایی با موفقیت به مقابله با ابرثروتمندان رسیدیم، و اجرای قوانین ضد انحصار ما تا سال 1983 ادامه یافت، زمانی که ریگان آنها را مسدود کرد، که منجر به "شیدایی ادغام" در دهه 1980 شد و امپراتوری های تجاری الیگارشی امروزی را در چندین کشور قرار داد.

صنایع اکنون که در دومین عصر طلایی آمریکا هستیم - با میلیاردرهای امروزی بسیار ثروتمند تر از وحشیانه ترین رویاهای **راکفلر** - با تقاطع مشابهی با نسل های قبلی روبرو هستیم.

آیا برای مثال، داشتن مالکیت رسانه ای توسط میلیاردرها اشکالی ندارد که می‌توانند از آنها برای دستکاری سیاست و سازمان‌های دولتی برای تقویت سایر منافع تجاری خود استفاده کنند؟ یا اینکه پنج جمهوری خواه فاسد در دیوان عالی حکم داده‌اند که ثروتمندان ما می‌توانند صاحب قضات و سیاستمداران شوند؟ اکثر آمریکایی‌ها احتمالاً به هر دو «نه» می‌گویند .

در مقطعی، آمریکا باید با مشکل الیگارشی خود مقابله کند . و هر چه زودتر بهتر، اگر نمی‌خواهیم تاریکی به طور کامل دموکراسی ما را در بر بگیرد

سطری در مورد نویسنده این مقاله :

توما س کارل هارتمن (زاده 7 مه 1951) یک شخصیت رادیویی، نویسنده، تاجر، و مفسر سیاسی مترقی آمریکایی است. [1] [2][هارتمن از سال 2003 میزبان یک برنامه رادیویی ملی به نام **The Thom Hartmann** برنامه بوده است و بین سال های 2010 تا 201 میزبان یک برنامه تلویزیونی شبانه با نام **The Big Picture** بوده است



توما س کارل هارتمن

----- **با تقدیم احترامات «2024-10-29»**